

Study of Respect for Humanitarian Rules by Non-state Actors from Islamic and International Humanitarian Law Perspective

Siamak Karamzadeh¹
Bahram Moradian²

Received: 2016/06/14; Accepted: 2016/09/17

Abstract

In 2002, an organization was established in Iraq which was later named as ISIS. By taking control of considerable parts of Iraq and Syria, this non-state actor has taken terrorist acts in occupied territories. DAESH, which has been recognized as a terrorist group, uses terrorist methods to achieve its goals. ISIS's acts in Iraq and Syria are not of those sporadic terrorist actions which can be dealt with through peaceful means and judicial mechanism stipulated in the anti-terrorism treaties. Given the definition set out in Article 1(2) of protocol II of 1977, the current situation in Iraq and Syria is categorized as non-international armed conflict which is governed by humanitarian rules provided in the Article 3 Common to 1949 Geneva Conventions and protocol II. Terrorism negates fundamental principles of humanity which underlie International Humanitarian Law (IHL). As such, the Article 3 Common to 1949 Geneva Conventions and Article 4 (2) of protocol II prohibit terrorist acts in non-international armed conflicts. The parties engaged in the armed conflicts are obliged to observe humanitarian rules provided in Geneva Conventions and its protocols. Nevertheless, ISIS's inhuman acts in Iraq and Syria clearly show breach of IHL. Furthermore, ISIS which is alleging to establish Islamic state and to carry out Islamic rules in the occupied territory has taken actions which are against Islamic norms and rules.

Keywords: Non-International Armed Conflict, Common Article, III of Conventions, Terrorism, Islamic Law of War, Non-State Actor.



1. Assistant Professor of Public International Law at the University of Shahed Tehran, (corresponding author)Email: skkaramzadeh@gmail.com.
2. P.hD Student of International Law at the University of Tehran.

بررسی مبانی رعایت قواعد بشردوستانه توسط گروه‌های غیردولتی، از منظر اسلام و حقوق بشردوستانه بین‌المللی؛

مطالعه موردی وضعیت عراق و سوریه

تاریخ دریافت ۹۵/۰۳/۲۵ - تاریخ پذیرش ۹۵/۰۶/۲۷ سیامک کرم‌زاده^۱
بهرام مرادیان^۲

چکیده

در سال ۲۰۰۲ میلادی، سازمانی در عراق پایه‌گذاری شد که بعدها داعش نام گرفت. این گروه غیردولتی، با کنترل بخش قابل توجهی از قلمرو سرزمینی کشورهای سوریه و عراق، اقدام به عملیات تروریستی گسترده‌ای کرد. داعش که ماهیتاً گروهی تروریستی است برای رسیدن به اهداف خود از شیوه‌های تروریستی استفاده می‌کند. اقدامات داعش در عراق و سوریه از آن دسته اقدامات تروریستی موردی و پراکنده نیست که بتوان از طریق روش‌های مسالمت آمیز و راهکارهای قضایی مندرج در معاهدات ضد تروریسم، با آن مقابله نمود. با توجه به تعریف مندرج در ماده (۲) پروتکل دوم مصوب ۱۹۷۷، وضعیت سوریه و عراق تا پیش از پایان فعالیت داعش، در دسته مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی قرار می‌گرفته و لذا تحت حاکمیت قواعد حقوق بشردوستانه‌ی مندرج در ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۴۹ و پروتکل دوم آن می‌باشد. تروریسم، اصول اساسی و بنیادین بشریت که در حقوق بشردوستانه پیش‌بینی شده است را نقض می‌کند. به همین دلیل در ماده ۳ مشترک، ارتکاب رفتارهایی منع گردیده است که از مصادیق تروریسم محسوب می‌گردد. علاوه بر این، بند ۲ ماده ۴ پروتکل دوم صریحاً اعمال تروریستی را در مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی منع می‌کند. طرفین درگیری، مکلف به رعایت حقوق بشردوستانه‌ی مقرر در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل الحاقی به آن هستند. با این حال، رفتارهای غیر انسانی و خلاف شئون بشری ارتکابی توسط داعش در سوریه و عراق، به‌روشنی، نقض حقوق بشردوستانه توسط این گروه تروریستی را نشان می‌دهد. علاوه بر این، داعش که مدعی دولت اسلامی و اجرای قوانین اسلامی در دارالخلافه‌ی عراق و شام است مرتکب اعمالی گردیده است که با هنجارها و قواعد اسلامی مطابقت ندارد.

واژگان کلیدی: مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی، ماده ۳ مشترک، اعمال تروریستی، حقوق جنگ در اسلام، گروه‌های غیردولتی.

۱ استادیار حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه شاهد تهران (نویسنده مسئول) Email: skkaramzadeh@gmail.com

۲ دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران



مقدمه

تروریسم، یکی از چالش‌های جهان امروز است؛ پدیده‌ای که به‌عنوان تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی تحولات قابل‌ملاحظه‌ای را در عرصه‌های حقوقی به‌وجود آورده است. در طول دو دهه اخیر، پدیده تروریسم دستخوش تغییرهای بنیادین شکلی و محتوایی شده و ابعاد گسترده‌تری یافته است. اقدامات تروریستی از شکل رفتارهای پراکنده با دامنه جغرافیایی محدود تبدیل به اقداماتی شده است که به‌صورت سازمان‌یافته و آشکار حاکمیت‌های ملی را تهدید می‌کند. این تغییر روش گروه‌های تروریستی موجب تغییر ماهیت مبارزه با این پدیده نیز شده است. تلاش جامعه جهانی برای مبارزه با تروریسم، معطوف به تدوین چارچوب‌های حقوقی مبارزه با تروریسم در نظام حقوقی ملی و بین‌المللی برای تعقیب و کیفر متهمان به ارتکاب اعمال تروریستی بوده است. با این حال، در شرایطی که اقدامات تروریستی به‌صورت گسترده، مستمر و با استفاده از ابزارهای نظامی علیه دولت حاکم انجام می‌شود متقابلاً پاسخ به چنین اقداماتی نیازمند استفاده از زور علیه گروه‌های تروریستی است. این تغییر ماهیت در مبارزه با تروریسم را آمریکا در سال ۲۰۰۱ بعد از حوادث یازده سپتامبر و با حمله به افغانستان تحت عنوان "جنگ علیه تروریسم" و با استناد به دفاع مشروع مندرج در ماده ۵۱ منشور ملل متحد توجیه نمود. (Hafetz, 2012: 31-32)

پس از شکل‌گیری گروه تروریستی موسوم به دولت اسلامی عراق و شام (داعش) و تحت کنترل درآوردن بخشی از سرزمین دولت‌های عراق و سوریه توسط این گروه تروریستی، دولت‌های مذکور با توسل به زور اقدام به دفاع از خود نموده‌اند. در چنین شرایطی باید دید نظام حقوقی حاکم بر این وضعیت چیست؟ آیا مخاصمه‌ی ایجادشده، مشمول قواعد حقوق بشردوستانه می‌گردد یا این که سازوکار جداگانه‌ای برای مواجهه با این مولود افراط‌گرایی مورد نیاز است؟



در این پژوهش تلاش شده است ضمن تبیین مفهوم تروریسم، قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه میان دولت‌های سوریه و عراق از یک سو و گروه‌های غیردولتی از سوی دیگر، از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق اسلام، بررسی و تحلیل شود.

۱. مفهوم تروریسم

از دیدگاه حقوق مخاصمات مسلحانه، تروریسم، به حمله علیه رزمندگان^۱ و اهداف نظامی^۲ اطلاق نمی‌شود، مشروط بر آن که خشونتی که در این اقدام نهفته است توسط رزمندگان و با ابزارهای قانونی صورت گرفته باشد. بر عکس، حمله به جمعیت غیرنظامی^۳ و اهداف غیرنظامی، به هر وسیله‌ای و با هر دلیلی ممنوع است. (کرم‌زاده و حسین‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۳۵)

میان مشروعیت اعمال خشونت جنگی علیه رزمندگان و اهداف نظامی، و ممنوعیت اقدامات تروریستی علیه جمعیت و اهداف غیرنظامی، بحث و مناقشه فراوانی مطرح است. با این وجود، هر تلاشی برای موجه‌جلوه‌دادن اقدامات تروریستی علیه جمعیت و اهداف غیرنظامی که با روش‌های چریکی^۴ در زمان اشغال و یا در جنگ‌های آزادی‌بخش^۵ انجام می‌شود، هیچ‌گاه با شرایط مورد نیاز برای قانونی‌بودن چنین اقداماتی مطابقت وجود ندارد. در حال حاضر، حقوق مخاصمات مسلحانه انجام اقدامات تروریستی علیه افراد غیرنظامی را در درگیری‌های مسلحانه بین‌المللی و غیر بین‌المللی ممنوع می‌داند، اما از این اقدامات تعریفی به‌عمل نمی‌آورد. (کرم‌زاده و حسین‌نژاد، ۱۳۸۵: ۱۳۶)

تا کنون جامعه جهانی در ارائه تعریف جامعی از تروریسم به توافق نرسیده است؛ با این همه، محققان و اندیشمندان حقوقی کوشیده‌اند تعریف جامع و دقیقی از تروریسم ارائه کنند، که البته پیامد آن تعریف‌های بسیار متعددی است که در مورد تروریسم وجود دارد. در میان این تعریف‌ها می‌توان به این تعریف از تروریسم اشاره کرد: «اعمال خشونت آمیزی که از سوی فرد یا گروهی از افراد، با انگیزه ایجاد رعب و وحشت علیه دولت‌ها،



1 Combatant
2 Military objective
3 Civilian population
4 Guerrilla
5 Wars of national liberation



غیرنظامیان، شهروندان و اموال صورت می‌گیرد و هدف نهایی از ارتکاب چنین اعمالی، دستیابی به مقاصد سیاسی است». (کرم‌زاده، ۱۳۸۲: ۱۶۷)

۲. حقوق بین‌الملل بشردوستانه و مبارزه با تروریسم

تروریسم اساساً یک پدیده مجرمانه است و مبارزه با آن در قالب اجرای قوانین کیفری انجام می‌یابد. همکاری مؤثر دولت‌ها در مقابله با شبکه‌های تروریستی رمز موفقیت تلاش‌های بین‌المللی است. این واقعیت که امروزه گروه‌های تروریستی با ایجاد شبکه‌های فراملی اهداف طراحی شده در فراسوی مرزهای ملی را مورد اجرا قرار می‌دهند، ماهیت اساساً کیفری اعمال تروریستی را تغییر نمی‌دهد؛ از این رو، بسیاری از اقداماتی که کشورها برای مقابله با تروریسم اجرا می‌کنند، معادل عملیات نظامی در یک مخاصمه مسلحانه نبوده و شباهتی به آن ندارد. تدابیری همچون همکاری پلیسی و قضایی، استرداد مجرمان، مجازات، ضبط و توقیف دارایی گروه‌های متهم به تروریسم و غیره، نیازمند توسل به زور نیست.

بنابراین در مقابله دولت‌ها با گروه‌های تروریستی در خارج از مخاصمات مسلحانه، قواعد حقوقی مندرج در کنوانسیون‌های ضدتروریسم و قوانین کیفری ملی بر روابط میان دولت‌ها و افراد تروریست حاکم است و حقوق بشردوستانه، تنها در زمان مخاصمات مسلحانه، لازم‌الاجراست.

اگر مبارزه با تروریسم به لحاظ گستردگی و شدت حملات، نوع سلاح‌های به کاررفته، موضوع و هدف آن به گونه‌ای باشد که عملاً جنگی اتفاق بیفتد، حقوق بشردوستانه اعمال می‌شود (امیرارجمند، ۱۳۸۴: ۲۷). البته هر درگیری نظامی اقتضاء می‌کند که شدت خاصی از خشونت وجود داشته باشد و طرف‌های مناقشه، قابل تشخیص باشند. اصطلاح «طرف مخاصمه مسلحانه» معمولاً به معنی دولت یا گروه نظامی است که بهره‌مند از سطح قابل-توجهی از سازماندهی و ساختار فرماندهی، و نیز برخوردار از ظرفیت و توانایی اعمال حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد.^۱



۱. ماده ۴۳ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو مصوب ۱۹۷۷



از سوی دیگر، بدون توجه به موقعیت طرف‌های مناقشه و مشروعیت اهدافی که برای تحقق آن می‌جنگند، حقوق بشردوستانه ایجاب می‌کند که هر طرف بر طبق اصول و موازین بشردوستانه عملیات نظامی خود را انجام دهد و با افراد دستگیر شده و غیرنظامی مطابق با قواعد موجود رفتار کند. اجرای منطقی مخاصمات مسلحانه در جنگ علیه تروریسم، بدین معناست که گروه‌های تروریستی باید از همان حقوق و تکالیف ناشی از حقوق بشردوستانه برخوردار باشند که دولت‌هایی که با آنها مبارزه می‌کنند، از آن برخوردارند. (ICRC Report, 2003: 20)

این دیدگاه بر اساس ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل دوم الحاقی و نیز رویه قضایی بین‌المللی راجع به مخاصمات مسلحانه‌ی غیر بین‌المللی قابل دفاع است. اگرچه ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو «مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی»^۱ را تعریف نمی‌کند، اما تفسیر رسمی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ معیاری را برای ارزیابی یک مخاصمه ارائه می‌دهد. بر اساس تفسیر کمیته، از روش‌هایی که می‌تواند حقوق‌دانان را در ارزیابی یک وضعیت کمک کند، این است که آیا دولت در واکنش و برخورد با یک گروه نظامی سازمان‌یافته مجبور به به‌کارگیری نیروهای نظامی منظم است؟ و یا آیا دولت، گروه‌های شورشی را به عنوان گروه‌های متخاصم به رسمیت شناخته است؟^۲ در صورتی که گروه‌های تروریستی به صورت موردی و پراکنده اقدام به حملات تروریستی می‌کنند این نوع حملات، مخاصمه مسلحانه تلقی نشده و دولت محل وقوع حادثه با اجرای قوانین کیفری داخلی با عاملان آن برخورد می‌کند.

زمانی که گروه‌های تروریستی مستقلاً دارای سازمان و تشکیلات منظم هستند و مبادرت به کنترل بخش‌هایی از سرزمین یک دولت می‌نمایند، بر اساس تعریف ماده (۱) پروتکل دوم الحاقی، وضعیت موجود مشمول قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی خواهد بود. وضعیت عراق و سوریه در مبارزه با داعش و دیگر گروه‌های تروریستی، مصداق بارزی از مخاصمه‌ای است که با وجود ورود دولت‌های خارجی، همچنان ماهیت غیر بین‌المللی خود را حفظ کرده است؛ زیرا هنوز ثابت نشده است که گروه‌های تروریستی، تحت کنترل یا حمایت یک دولت خارجی اقدام به عملیات نظامی می‌کنند. لذا از آنجا که مستقلاً طرف



1. Non-international armed conflicts

2. ICRC commentary to the Common Article 3, accessible at <https://ihl-databases.icrc.org/ihl/COM/365-570006?OpenDocument>



در گیر با دولت میزبان یا سایر دولت‌های وارد شده در مخاصمه هستند بنابراین ماهیت مخاصمه، همچنان غیر بین‌المللی می‌باشد.

۳. الزام گروه‌های غیردولتی به رعایت حقوق بین‌الملل بشردوستانه

بر اساس ماده (۳) مشترک «هر یک از متخاصمان مکلف است مقررات این ماده را رعایت کند». همان‌طور که از نص این ماده بر می‌آید، اصطلاح «هر یک از متخاصمان» هم طرفی را که مدعی حقانیت هر حکومتی است در بر می‌گیرد، و هم البته گروهی را نیز که بر ضد حکومت سر به شورش برداشته و مسلحانه با آن معارضه می‌کند را نیز شامل می‌شود. بنابراین، از حیث ماده (۳) مشترک، تکلیف شورشیان به رعایت مراتب مذکور در این ماده روشن است. ماده (۱) پروتکل دوم، توانایی شورشیان به اجرای پروتکل را یکی از شروط توصیف موقعیت خصومت آمیز به عنوان مصداقی از مخاصمات مسلحانه‌ی داخلی برمی‌شمارد. همچنین ماده (۴) پروتکل، در بند «ممنوعیت استخدام کودکان زیر ۱۵ سال»، هم شامل نیروهای نظامی است و هم گروه‌های مسلح.

زمانی که یک گروه نظامی، در قلمرو سرزمینی یک دولت وارد مخاصمه با آن دولت می‌شود، وضعیت «مخاصمه مسلحانه غیر بین‌المللی» ایجاد می‌شود؛ وضعیتی که قواعدی متفاوت با قواعد حاکم بر مخاصمات مسلحانه بین‌المللی بر آن حاکم خواهد بود؛ که این ناشی از ماده (۳) مشترک کنوانسیون‌های ژنو، پروتکل دوم الحاقی و نیز عرف بین‌المللی است. از آنجا که وضعیت جاری در عراق و سوریه، از نوع وضعیت فوق‌الذکر می‌باشد لذا الزامات مخاصمات مسلحانه غیر بین‌المللی بر هر دو طرف درگیری بار خواهد شد. در زیر مختصراً به این الزامات اشاره می‌شود.

مطابق عموماًت حقوق بین‌الملل بشردوستانه‌ی حاکم بر مخاصمات مسلحانه داخلی، نسبت به افرادی که در درگیری‌ها شرکت ندارند بایستی در هر وضع و حالتی و بدون هیچ‌گونه تبعیض ناروا، رفتار انسانی روا داشته شود و شخصیت ایشان محترم بماند. تمام اقداماتی که حیات یا سلامت جسمی و روانی این افراد را به خطر می‌اندازد همواره ممنوع است؛ رفتارهایی نظیر تعرض به زندگی، سلامت و موجودیت‌های جسمی و روانی اشخاص به‌ویژه قتل عمد و برخورد خشونت‌آمیز همانند شکنجه، قطع عضو، یا هر نوع مجازات جسمی؛ همچنین مجازات‌های دسته‌جمعی، گروگان‌گیری، اعمال تروریستی، هتک حرمت به شأن





بررسی بیان عبادت فاعل در دستور زبان فارسی: رویکردی مبتنی بر دستور نحوی و نحوی

انسانی، تحقیر کردن، خفیف کردن، تجاوز جنسی، فحشای اجباری و هر نوع تعرض بی - شرمانه، غارت و همچنین تهدید به ارتکاب هر یک از اعمال پیش گفته (آشنایی با حقوق بشردوستانه بین المللی، ۱۳۸۱: ۳۰۶). در عین حال که پروتکل مذکور، حمایت های بنیادین متنوعی را پیرامون افرادی که در مخاصمات شرکت ندارند بنیان می نهد اما چند دسته از افراد را تحت حمایت خاص قرار می دهد: کودکان، زنان و اشخاصی که به دلایل مربوط به مخاصمات داخلی از آزادی محروم شده اند؛ زیرا اینان در چنین مواقعی بسیار آسیب پذیر می شوند.

در نگاهی کلی، می توان گفت که حمایت های مقرر در ماده (۳) مشترک در خصوص غیررزمندگان - یعنی کسانی که در مخاصمه شرکت ندارند - قطعاً کودکانی را که در مخاصمه شرکت ندارند هم در بر می گیرد. اما باید گفت که تشدید و تقویت حمایت از کودکان در مخاصمات داخلی، با تصویب پروتکل الحاقی دوم در سال ۱۹۷۷ حاصل شد.

ماده (۴) پروتکل دوم، استخدام کودکان کمتر از ۱۵ سال را در نیروها یا گروه های مسلح ممنوع می کند؛ همچنان که شرکت کودکان تا این سن را در منازعات مجاز نمی داند. این ممنوعیت، هم مشارکت مستقیم آنها را در بر می گیرد و هم مشارکت غیر مستقیم در نبرد، مانند جمع آوری اطلاعات، انتقال و ابلاغ دستورهای نظامی و حمل مهمات و آذوقه برای رزمندگان. (ICRC, 1987: 1377-1379)

بر خلاف پروتکل الحاقی اول که با ذکر عنوان «حمایت از زنان» ماده ۷۶ را اختصاص به بیان حمایت های ویژه از زنان داده است، در پروتکل دوم ماده ای مختص زنان مقرر نشده است. در نتیجه، بر اساس اصل کلی مقرر در بند (۱) ماده (۴) پروتکل دوم می توان گفت زنان نیز مانند همه افرادی که در منازعات شرکت ندارند استحقاق رفتار انسانی را داشته و باید به شخصیت آنها احترام گذارد. به علاوه، بند (۲) ماده (۴) بی آن که نامی از زنان ببرد اعمالی را نسبت به افراد یادشده ممنوع کرده است که به طور خاص ناظر به زنان است (ICRC, 1987: 1376). هتک حرمت به شأن انسانی و رفتارهای تحقیرآمیز، تجاوز به عنف، فحشای اجباری و هر گونه اهانت و تعرض بی شرمانه در هر زمان و هر مکان که باشد ممنوع است و ممنوع باقی خواهد ماند. در مواد (۵) و (۶) پروتکل دوم نیز حمایت های خاص زنان در نظر گرفته شده است. ماده (۵) برای نگهداری زنانی که به دلایل مربوط به مخاصمه مسلحانه، آزادی آنان سلب شده است حکم به نگهداری زنان در بخش های جدا از مردان و





تحت نظارت مستقیم زنان می‌دهد، مگر وقتی که زنان و مردان از یک خانواده با هم باشند. ماده (۶) که مربوط به تعقیب‌های کیفری است، مشابه ماده ۷۶ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیون، اجرای حکم اعدام درباره زنان باردار یا مادران دارای کودکان خردسال را ممنوع می‌کند.

نحوه رفتار با شورشیانی که سلاح به دست گرفته و با حکومت جنگیده‌اند و سپس به دست قوای حکومت گرفتار شده‌اند در ماده (۳) مشترک مشخص نشده است، اما در همین ماده، طرف‌های متخاصم متعهد به رعایت تعهدی اساسی شدند. در واقع، ماده (۳) مشترک، محکومیت و اعدام را بدون حکم دادگاهی که به طور صحیح تشکیل شده و جامع تضمینات قضایی باشد ممنوع کرده است. از این رو، بدین وسیله حداقلی از حمایت را به نفع شورشیان برقرار کرده است (ICRC, 1987: 1371)

بر همین مبناست که مقررات ماده (۵) پروتکل دوم، تعهداتی را به‌عنوان حداقل الزامات نسبت به اشخاصی که به دلایل مربوط به مخاصمه، از آزادی محروم شده‌اند لازم به اجرا می‌داند. با رعایت این الزامات، اشخاص یادشده حبس را در شرایط انسانی و مناسب سپری خواهند کرد. برای این اشخاص باید در حد معمول مردم عادی منطقه، غذا و آب آشامیدنی فراهم شود. همچنین ماده (۵) مقرر می‌کند که مراقبت‌های لازم در مورد سلامتی و بهداشت این اشخاص، و همچنین حفاظت از آنان در مقابل بدی آب و هوا و خطرات ناشی از مخاصمه به عمل آید. برای همین منظور، مکان نگهداری آنها نباید در نزدیکی خطوط نبرد باشد. اشخاص بازداشت‌شده، همانند اسیران جنگی، مجاز به ارسال و دریافت نامه هستند و حق دارند آداب و اعمال مذهبی خود را انجام دهند. ماده (۶) پروتکل دوم، با الهام از ماده ۱۵ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، به رعایت تضمینات لازم در رابطه با حق دادرسی عادلانه نسبت به این اشخاص پرداخته است. در واقع، افرادی که به موجب مسائل مربوط به مخاصمات داخلی آزادی آنها سلب شده است، نایستی به علت فعل یا ترک فعلی که در موقع ارتکاب بر طبق قوانین ملی یا بین‌المللی عمل مجرمانه محسوب نمی‌شده است محکوم شوند. همچنین هیچ مجازاتی سنگین‌تر از آنچه در زمان ارتکاب جرم، قابل اعمال می‌بوده تعیین نخواهد شد. همچنین دیگر مقررات این ماده راجع به ممنوعیت دادرسی اختصاری و صدور حکم محکومیت بدون محاکمه، از ماده ۱۴ میثاق مدنی و سیاسی ملهم است (ICRC, 1987: 1385-1388). ماده (۶) پروتکل همچنین مقرر می‌کند که هیچ محکومیتی نباید





بررسی بیان رعایت قواعد حقوق بشر در پرونده‌های حقوق بشری در نظام حقوق بشر ایران

اعلام شود و نه هیچ مجازاتی نباید اجرا شود، مگر به حکم دادگاه مستقل و بی طرف که دادرسی را به ویژه با رعایت حقوق متهم به انجام رسانده باشد. این حقوق که ماده (۶) پروتکل برای متهمان به ارتکاب جرائم مربوط به مخاصمه داخلی در نظر گرفته است، همان حقوقی است که در ماده ۱۴ میثاق مقرر شده‌اند و مورد شناسایی همه جهان است. (ICRC, 1987: 1388)

ماده (۳) مشترک که مقررات آن فقط مربوط به افرادی است که در نبردها شرکت ندارند، درباره ابزار و شیوه های نبرد در مخاصمات داخلی هیچ حکمی ندارد. کمیته بین المللی صلیب سرخ در پیش نویس پروتکل مربوطه به مخاصمات داخلی، ترتیبات متعددی را در این رابطه گنجانده بود. اما بیشتر آنها در کنفرانس دیپلماتیک ۱۹۷۴-۱۹۷۷ حذف شد و بیان موضوع در چند عبارت خلاصه شد؛ حال آن که در پروتکل اول، مجموعه مقررات مفصلی در این رابطه تدبیر شده بود. با این وجود، حذف مقررات پیشنهادی کمیته بین المللی صلیب سرخ از پروتکل دوم، هیچ تأثیری بر ماهیت عرفی قواعد مربوط به نحوه نبرد در مخاصمات داخلی ندارد. به عقیده بسیاری از حقوقدانان، حذف پیشنهادهای مذکور را نباید به منزله‌ی نبود مقررات عرفی در این زمینه دانست. در این زمینه، دادگاه کیفری بین المللی برای یوگسلاوی سابق (ICTY) وجود قواعد عرفی را در خصوص روش ها و ابزار نبرد در مخاصمات داخلی، محرز دانسته است. (ممتاز و رنجیریان، ۱۳۸۷: ۱۴۸-۱۴۹)

ممنوعیت به کارگیری برخی جنگ افزارها بر پایه دو اصل اساسی حقوق بین الملل بشردوستانه استوار است؛ اصل اول این که، طرف های متخاصم در همه حال باید غیررزمندگان را از رزمندگان تمایز بدهند و در نتیجه، نباید از سلاح هایی استفاده کنند که قادر به تشخیص هدف غیرنظامی از هدف نظامی نیست. اصل دوم آن که، نباید بر رزمندگان رنج و درد بیهوده وارد کرد. درست به دلیل شمول این دو اصل بر مخاصمات داخلی بود که مسأله‌ی نامشروع بودن استفاده از سلاح شیمیایی در این مخاصمات مطرح شد. در واقع، مسئله‌ی گستراندن دامنه‌ی اجرای پروتکل ژنو ۱۹۲۵ راجع به منع استعمال گازهای خفه کننده و مسموم کننده‌ی شبیه به آن در جنگ، به مخاصمات داخلی بود تا طرف های متخاصم در این مخاصمات نیز ملزم به رعایت ممنوعیت مزبور بشوند. شعبه تجدیدنظر دادگاه کیفری بین المللی یوگسلاوی سابق، در پرونده تادیچ با بررسی همه جانبه‌ی موضوع به این نتیجه رسید که به تدریج یک اجماع بین المللی حاصل شده است که طبق آن، استفاده از سلاح





شیمیایی را در مخاصمات مسلحانه غیرین المللی هم ممنوع می‌داند. به عقیده دادگاه، منع استفاده از سلاح شیمیایی در مخاصمات داخلی، بر ملاحظات اولیه انسانی و عقل سلیم استوار است. هم بدین سان می‌توان گفت که کنوانسیون منع گسترش، تولید، انباشت و به کارگیری سلاح‌های شیمیایی و انهدام آنها مصوب ۱۹۹۳ شامل همه مخاصمات مسلحانه می‌شود، بی‌آن که تفاوتی بین مخاصمات بین المللی و غیر بین المللی در کار باشد. (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۵۰-۱۵۱).

عملیات رزمی باید نسبت به افراد نظامی و هدف‌های نظامی انجام شود و جمعیت و افراد غیر نظامی نباید هدف حمله قرار گیرند. این اصل همانند اصل منع به کارگیری سلاح‌هایی که بر رزمندگان درد و رنج زائد و بیش از حد وارد می‌کند، از اصول اولیه و عمده حقوق بین المللی بشردوستانه است. این موضع را دیوان بین المللی دادگستری در رأی مشورتی مورخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ درباره مشروعیت تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای اتخاذ نمود.^۱

برخلاف پروتکل اول، پروتکل دوم الحاقی ۱۹۷۷ فاقد مقرراتی برای حمایت کلی از اموال غیر نظامی است. در واقع، محتوای پروتکل دوم برای حمایت از اموال غیر نظامی در برابر حمله، بسیار ناچیز است و فقط یک ماده از پروتکل دوم به بیان حمایت از اموال غیر نظامی اختصاص یافته و آن هم ماده ۱۶ راجع به حمایت از اموال فرهنگی و مکان‌های عبادت است. این اموال، نخستین دسته از اموال غیر نظامی بود که با تصویب کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه برای حمایت از اموال فرهنگی در زمان مخاصمه مسلحانه، تحت حمایت خاص قرار گرفتند. ماده ۱۶ پروتکل دوم، بدون ایراد هیچ خدشه‌ای به کنوانسیون ۱۹۵۴ انجام هرگونه عملیات جنگی که بناهای تاریخی، آثار هنری و پرستش‌گاه‌ها را که میراث معنوی و فرهنگی ملت هستند هدف قرار دهد، منع می‌کند؛ همچنان که استفاده از این اموال برای پشتیبانی از اقدامات نظامی را نیز ممنوع نموده است. (ICRC, 1987: 1467)



1. ICJ, Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion of 8 July 1996, para, 78.

۴. حقوق بشردوستانه در اسلام

اسلام برای جنگ برنامه قانونی مفصلی بر پایه عدل، رحمت و رعایت حقوق و شئون انسانیت تنظیم کرده است. در قرآن کریم به طور مکرر بر رعایت عدالت و تجاوز نکردن از حدود معقول انسانی در مقابل دشمنان تأکید شده است. برخی از تعالیم گسترده اسلام، در مورد اشخاص و افرادی است که در جنگ و نبرد شرکت نکرده اند و یا درگیر جنگ نیستند. در جهاد اسلامی افراد غیررزمندهی دشمن، مادام که در فعالیت های جنگی مؤثر نیستند از مصونیت برخوردارند، لکن رزمنده دشمن تنها در مورد کسانی صدق نمی کند که مسلح و جزء ارتش منظم دشمن می باشند، بلکه شامل کلیه کسانی می شود که به نحوی در پیشبرد جنگ به نفع دشمن مؤثر باشند، هر چند که سلاح در دست نداشته باشند. اما کلیه کسانی که از اعمال خصمانه جنگی خودداری می کنند، به لحاظ این که در جنگ شرکت ندارند غیررزمنده محسوب شده و حقوق آنان محترم شمرده می شود.

از دید فقیهان مسلمان نیز، اصل حمایت از افراد غیرنظامی، به اجماع و اتفاق مورد تأکید قرار گرفته است. صاحب جواهر الکلام نگاهشته است: «کسی از فقها را سراغ ندارم که با مسئله مصونیت غیرنظامیان مخالف باشد». (نجفی، ۱۴۱۹ق: ۷۴-۷۳)

در زمان جنگ، دشمنان از دو گروه متمایز تشکیل می شوند؛ دسته ای نظامیان و کسانی که مستقیماً و به گونه فعالی در جنگ مشارکت دارند، و دسته دیگر که به هیچ وجه دخالتی در جنگ ندارند که معمولاً زنان، کودکان و مردان سالخورده را تشکیل می دهند. اسلام برای افرادی از دسته نخست که تسلیم شده یا زخمی گردیده و یا اسیر گشته اند، حقوق خاصی را شناخته است. (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۹: ۱۵۲)

منظور از غیرنظامی ها، افرادی مانند زنان، کودکان، پیران و... هستند که دخالتی در پیشبرد جنگ ندارند. فقیهان اسلامی، اعم از شیعه و سنی یک «قاعدۀ فقهی» تأسیس کرده اند که بر اساس آن، افراد غیرنظامی کشته نمی شوند: «غیر قاتل، کشته نمی شود» (روحانی، ۱۳۷۲: ۱۰).^۱ فقهای اهل سنت در این باب گفته اند: «غیر جنگجوها، نباید کشته شوند». (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۱۷۹)^۲



بررسی بیان احکامات فقهی در خصوص حقوق بشردوستانه در اسلام و حقوق غیرنظامیان در جنگ



۱. لا یقتل غیر القاتل
۲. لا یقتل غیر المقاتل



بخشی از غیرنظامیان دشمن، کسانی هستند که در کشور اسلامی سکونت می‌کنند. این افراد همانند بقیه غیرنظامیان دشمن، از مصونیت برخوردارند. طبق مقررات جهاد، کلیه اتباع دشمن در دارالاسلام، مستأمن یا ذمی محسوب می‌شوند، و می‌توانند مادام که شرایط لازم را رعایت کرده‌اند در مصونیت و تحت حمایت دولت اسلامی باشند. (عمید زنجانی، ۱۳۷۷: ۱۸۰-۱۷۹)

کودکان و نوجوانان معمولاً در جنگ‌ها و نزاع‌ها بسیار آسیب‌پذیر بوده و بیشترین صدمات جسمی و روحی متوجه آنان خواهد بود. از دیدگاه اسلام، این کودکان هرچند وابسته به دشمن و از اتباع دشمن هستند، اما مصونیت دارند. در این مورد، از پیامبر و اهل بیت دستور صریح مبنی بر نهی صریح از کشتن اطفال دشمن رسیده است: «همانا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله از قتل زنان و کودکان در دارالحرب نهی کرده است، مگر این که این عده مشغول جنگیدن باشند.» (شیخ حرعاملی، ۱۴۰۳ق: ۴۸-۴۷)^۱

زنان نیز وضعیتی مشابه کودکان دارند و در جنگ‌ها بیشترین آسیب متوجه آنان است. از این رو، همانند کودکان مصونیت دارند. چنین بایسته‌ای در روایات و گفتار فقیهان مورد تأکید قرار گرفته است. استثنایی که در مورد کودکان بیان شد، در اینجا هم قابل طرح و بیان است. چنانچه زنان همانند سایر جنگجویان و افراد نظامی در صحنه جنگ و کارزار به فعالیت پردازند، همانند افراد نظامی بوده و از مصونیت بهره‌ای ندارند.

با این حال، در برخی تعالیم اسلامی، مصونیت ویژه‌ای را برای زنان قائل شده‌اند. صاحب جواهر در این باره چنین می‌نویسد: «جایز نیست دیوانگان، کودکان و زنان اتباع دشمن کشته شوند، گرچه این عده، اتباع دشمن را یاری رسانند، مگر در هنگام اضطرار.» (نجفی، ۱۴۱۹: ۷۴-۷۳)^۲

پیران و افراد سالخورده همانند کودکان و زنان، در کارزارهای نظامی و میادین جنگی، بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند. از دیدگاه اسلام، این عده از مصونیت برخوردار بوده و هنگامی که در جنگ و نزاع مسلحانه نقشی ندارند، نباید آسیبی به آنان برسد. اما چنانچه در پیشبرد جنگ و کارزار نظامی نقش داشته باشند، خواه به عنوان نیروی رزمنده، یا به



۱. لَأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى عَنْ قَتْلِ النِّسَاءِ وَ الْوَالِدَانِ فِي دَارِ الْحَرْبِ إِلَّا أَنْ يَقَاتِلْنَ

۲. وَ لَا يَجُوزُ قَتْلُ الْمُجَانِبِينَ وَ لَا الصِّبْيَانَ وَ لَا النِّسَاءَ مِنْهُمْ وَ لَوْ عَاوَنَهُمُ الْإِمْعَاضُ بِالْإِضْطِرَّارِ، بِلَا خِلَافٍ أَجْدَهُ فِي شَيْءٍ مِنْ

ذَلِكَ، بَلْ فِي الْمُنْتَهَى الْإِجْمَاعُ عَلَيْهِ فِي النِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ



عنوان طراح نقشه‌های جنگی و مشاور امور نظامی، در این صورت همانند دیگر اتباع جنگجوی دشمن بوده و از مصونیت جنگی بهره‌مند نخواهد بود. از این رو، صاحب جواهر الکلام نگاشته است: «آری، چنانچه پیران - به عنوان مشاور یا طراح جنگی - دارای رأی و اندیشه باشند - و از این طریق در جنگ مشارکت فعال داشته باشند - به اجماع فقیهان اسلامی به قتل می‌رسند.» (نجفی، ۱۴۱۹: ۴۹۴)^۱

در رابطه با اسرا باید گفت اسیر تا قبل از اسارت، مانند بقیه نیروهای نظامی بوده و مبارزه با او شرعی و قانونی است. اما هرگاه، به دست سربازان، اسیر گردد باید نهایت محبت و رفتار انسانی را نسبت به او اجرا کرد. طبق حقوق اسلامی اسیر را به محض اسیر شدن نمی‌توان کشت و حتی برای تأیید این حکم، ابن رشد به اجماع اصحاب پیامبر (ص) استناد کرده است. البته این امر محاکمه و مجازات اسرا را به‌خاطر جرایمی که بیرون از قلمرو حقوق جنگی مرتکب شده‌اند ممنوع نمی‌سازد. همین‌طور اتفاق نظر وجود دارد که دشمنان بخاطر خساراتی که به جان و مال مسلمانان وارد کرده‌اند مسئول نیستند؛ حتی اگر اسلام بیاورند و تحت ذمه مسلمانان قرار بگیرند (یعنی تبعه حکومت اسلامی شوند)، زیرا این اعمال را از روی وجدان و هنگامی انجام دادند که طبق دستور مذهبشان در انجام دادنش مجاز بوده‌اند و بنابراین در وضعیتی مشابه با وضعیت مسلمانان قرار داشتند همین حکم در مورد تصرف اموال نیز جاری است. (حمیدالله، ۱۳۸۳: ۲۴۲)

رفتار با اسرا در طول مدت اسارت، تابع مقررات انسان‌دوستانه است. در مورد اسرای جنگ بدر پیامبر (ص) دستور دادند: «بر شماست که با اسرا به نیکویی برخورد کنید» (سبحانی، ۱۳۴۳: ۳۱). ابویوسف خاطر نشان می‌سازد که اسرا زمانی که دستوری در مورد آنها برسد باید اطعام شوند و به نحو خوبی با آنها رفتار شود. هزینه غذای اسرا نباید توسط خودشان پرداخت شود بلکه باید توسط دولت اسلامی پرداخت شود. قرآن کریم در این مورد مقرر می‌دارد اسرا باید از سرما و گرما و نظایر آن حفظ شوند و در صورتی که لباس نداشته باشند باید برای آنها لباس تدارک شود. در آموزه‌های اسلامی همچنین اسیر حق دارد در مورد اموالی که در مملکت خود دارد وصیت‌نامه تنظیم کند و بدیهی است که وصیت وی باید به طریق مقتضی به مقامات دولت اطلاع داده شود. در میان اسرا نباید مادر



۱. نعم اذا كان ذا رأی و قتال، قتل اجماعاً



را از فرزندش یا سایر بستگان نزدیک را از یکدیگر جدا کرد. همچنین در حدیثی منسوب به پیامبر (ص) آمده است که رییس قوم شکست خورده را احترام کنید. (حکیم، ۱۳۷۸: ۲۴)

صرف شرکت در جنگ، دلیلی برای اعمال مجازات مرگ نسبت به مقاتلان نیست. به گفته ابویوسف اسیر را فقط برای مصالح اسلام می توان گردن زد. به قول سرخسی، حتی فرمانده مسئول نیز نمی تواند اسیر را گردن بزند و فقط رئیس حکومت می تواند در این باره که اسرای مشخصی گردن زده شوند تصمیم بگیرد. در واقع، میان اصحاب پیامبر در منع گردن زدن اسرای جنگی اتفاق آراء وجود دارد. خلاصه آن که، اعمال مجازات مرگ برای اسرای جنگی فقط در موارد بسیار نادر و به غایت ضروری و بنا به مصالح عالیله کشور مجاز بوده است. (حمیدالله، ۱۳۸۳: ۲۴۵)

در قران آیه ای وجود ندارد که بردگی را به صراحت مجاز شناخته باشد؛ هر چند برخی اشاره های غیرمستقیم در آیه زیر دیده می شود: «ای پیامبر! ما زنانی که مهرشان را داده ای و آنان را که به به عنوان غنایم جنگی که خدا به تو ارزانی داشته مالک شده ای حلال کردیم» (احزاب، آیه ۵۰) با وجود این، در سنت پیامبر (ص) نمونه های اندکی بر این مورد می توان یافت؛ از جمله، اسرای قبیله هوازان در سال هشتم هجری میان سپاه اسلام تقسیم شدند، اما بعدها که ایشان اسلام آوردند همه آنها آزاد شدند. اسرای بنوالنبار نیز یا بنا به عطوفت یا با پرداخت فدیة آزاد شدند. سیاست پیامبر (ص) هنگامی به اوج خود رسید که بنا بر منقول فرمود عرب ها را نمی توان برده کرد. خلیفه دوم هم فرمان هایی صادر کرد دایر بر این که دهقانان، صنعتگران و پیشه وران کشورهای متخاصم نباید برده شوند. قرآن آزادی بردگان را توصیه می کند و مقرر می دارد که هر ساله قسمتی از درآمد حکومت اسلامی باید صرف آزادسازی بردگان شود (سوره توبه، آیه ۶۰). آیه ۳۳ سوره نور نیز چنین تفسیر می شود که اگر برده مسلمانی خواست کار کند و بهای خویش را به مولایش پردازد مولایش نمی تواند پیشنهاد او را رد کند. (حمیدالله، ۱۳۸۳: ۲۴۶)

چنان که دیدیم به بردگی گرفتن اسرای جنگی اعم از مذکر یا مونث، به هیچ وجه الزامی نیست. از سوی دیگر، آزاد ساختن برده بر اساس عطوفت و در ازای فدیة، از جمله راه های دیگر قضیه است که در قران مورد توصیه قرار گرفته اند.

پایان بخش حقوق اسلام و امر





۵. حقوق بشر دوستانه و وضعیت‌های عراق و سوریه

داعش یک گروه ستیزجوی جهادگرای سلفی است که پیرو یک آموزه بنیادگرای وهابی از اسلام سنی است (Withnall, 2014). این گروه که از جولای ۲۰۱۴ ادعای خلافت جهانی کرد و خود را دولت اسلامی نامید بخش‌های بزرگی از شمال عراق و شرق سوریه و بخش‌های کوچکی را در لیبی، نیجریه و افغانستان تصرف کرد. این گروه به رهبری ابوبکر البغدادی - از مجاهدان سلفی جداشده از شبکه القاعده - تأسیس شده و با دولت‌های عراق و سوریه و دیگر گروه‌های شورشی مخالف دولت سوریه، وارد جنگ شده است. داعش یکی از رادیکال‌ترین گروه‌های اسلام‌گرا در خاورمیانه است. آنها علاوه بر عراق و سوریه، بخش‌هایی از لیبی و نیجریه را نیز در کنترل خود گرفتند و گروه‌های هم‌پیمان آن در نقاط دیگر دنیا مثل افغانستان و آسیای جنوب شرقی نیز کم‌وبیش فعال هستند.^۱

ریشه داعش، به «جماعت توحید و جهاد» می‌رسد که در سال ۱۹۹۹ به رهبری ابومصعب الزرقاوی تأسیس شد و در سال ۲۰۰۴ به شبکه القاعده پیوست و پس از آن به «القاعده عراق» معروف شد. این گروه که وارد جنگ با دولت عراق و نیروهای آمریکایی مستقر در عراق شده بود در سال ۲۰۰۶ با چندین گروه اسلام‌گرای دیگر ائتلاف کرده و «مجلس شورای مجاهدین» را تشکیل داد که یک قدرت مهم در استان الانبار، وسیع‌ترین استان عراق، محسوب می‌شد. در ۱۳ اکتبر همین سال مجلس شورا به همراه چند گروه شورشی دیگر «دولت اسلامی عراق» را تشکیل داد. ابویوب المصری و ابو عمر بغدادی دو رهبر اصلی دولت اسلامی عراق بودند که در ۱۸ آوریل ۲۰۱۰ در عملیات ارتش آمریکا کشته شدند و ابوبکر بغدادی جایگزین آنها شد.^۲

با آغاز جنگ داخلی سوریه، نیروهای دولت اسلامی وارد سوریه نیز شدند و در ۸ آوریل ۲۰۱۳ نام «دولت اسلامی عراق و شام» را بر خود نهادند و از آن پس، با نام مخفف داعش معروف شدند. آنها به سرعت بخش‌هایی از شمال شرقی سوریه را تصرف کرده و شهر رقه را به عنوان پایتخت خود انتخاب کردند. سپس همزمان با اقدام نظامی در سوریه، به عراق حمله کرده و موفق شدند الرمادی و فلوچه - مهم‌ترین شهرهای استان الانبار در



1. History of DAESH, European Information Center on Terrorism, available at: www.noterror.eu/en/history-of-daesh
2. ibid



عراق - را به قلمرو خود بیفزایند. در جولای ۲۰۱۴ مهم ترین موفقیت داعش با تصرف موصل، دومین شهر بزرگ عراق، به دست آمد. آنها در ماه های بعد نیز پیشروی های زیادی داشته و حدود نیمی از خاک سوریه و بخش های شمال غربی عراق را در تصرف خود دارند. داعش، در این دوره و تا قبل سقوط، بخش هایی از متصرفات خود را نیز از دست داد و از جمله، شهر مهم تکریت را در آوریل ۲۰۱۵ به ارتش عراق و نیروی شبه نظامی حشدالشعبی که برای جنگ با این گروه تشکیل شده، واگذار کرد. داعش در اواسط نوامبر ۲۰۱۵ سنجار را هم از دست داد و هم چنین در ۲۸ دسامبر ۲۰۱۵ الرمادی را از دست داد و چندی بعد سقوط کرد.

۶. جنایات جنگی و نقض حقوق بشر دوستانه توسط داعش

یکی از ویژگی های داعش که او را از سایر گروه های تروریستی در جهان به طور خاص متمایز می کند، عدم التزام به قواعد حقوق بشری است. این گروه، با ارائه قرائت خاصی از اسلام، اقدامات تروریستی خود را توجیه می نمود. رویه داعش در اقدامات تروریستی به گونه ای بود که هدف ایجاد رعب و وحشت در میان غیرنظامیان به شدت آشکار است. اگر بنا باشد فهرستی از این اقدامات را ذکر کنیم قطعاً این دفتر را مجال آن نخواهد بود. پس به ذکر گوشه کوچکی از این جنایات اکتفا می کنیم.

بنابر گزارش دیده بان حقوق بشر، داعش در درگیری های نظامی خود از کودکان و نوجوانان استفاده می کرد. این گزارش بر پایه اطلاعات ارائه شده توسط ۲۵ نهاد تنظیم شده بود. بنابر گزارش روزنامه واشینگتن پست، نیروهای داعش ساکنان چند روستای ترکمن نشین عراق را قتل عام کردند که در بین آنها دو دختر خردسال هم وجود داشته است. بنابر گزارش یک پلیس محلی، تعداد مقتولان ۵۵ تن اعلام شده است. ده ها تن دیگر هم مفقودالثر شده اند.^۱

داعش به طور رسمی از برده داری دفاع می کند و معتقد است قرآن اجازه همخوابگی با زنان اسیر کافر را به مسلمانان داده است (Malas, 2014). گزارش های متعددی در مورد



۱. داعش کودکان را به عملیات انتحاری می گمارد، دوپچه وله، ۲۴ جولای ۲۰۱۴.



آزار جنسی و خرید و فروش زنان و دختران اسیر وجود دارد؛ به‌ویژه زنان و دختران پیرو مذهب ایزدی که به جنگجویان گروه هدیه داده شده یا به فروش رسیده‌اند.^۱

در سپتامبر ۲۰۱۴، داعش دست به حمله شیمیایی با استفاده از گاز کلر در الضلوعیه و سپس علیه عشایر بنی سعد در جنوب استان صلاح‌الدین زد. این حمله‌ها منجر به خفگی و مسمومیت ده‌ها تن از مردم و نیروهای داوطلب شد.^۲

گروه داعش پس از اشغال شهر تاریخی موصل در شمال عراق، اماکن مقدس به‌ویژه مساجد و آرامگاه‌های مقدس در نزد شیعیان را تخریب نمود. حداقل چهار آرامگاه مقدس در نزد اعراب سنی و صوفی توسط بولدوزر خراب گردید. همچنین شش مسجد شیعی به-وسیله انفجار تخریب گردید.^۳

داعش، سر جیمز فولی و استیون ساتلاف، دو خبرنگار آمریکایی، و سرهای دیوید هاینس و آلن هنینگ امدادگران بریتانیایی، عبدالرحمن کاسینگ امدادگر آمریکایی، و هارونا یوکاوا و کنجی گوتو دو گروگان ژاپنی را برید.^۴

کشتار در پایگاه هوایی اسپایکر، جنایتی است که به دست نیروهای داعش در پایگاه مذکور در تکریت عراق در فاصله میان ۱۱-۱۵ جولای ۲۰۱۴ میلادی به وقوع پیوست. در زمان یورش، در حدود ۴۰۰۰ دانشجوی نظامی غیرمسلح در پایگاه بودند. در این میان، ۱۷۰۰ دانشجوی شیعه غیرمسلح این پایگاه هوایی به‌طور جمعی قتل عام شدند.^۵

داعش خلبان اردنی بنام معاذ الکساسبه را زنده‌زنده سوزاند. هوایمای جنگنده معاذ کساسبه در جریان عملیات نیروهای ائتلاف علیه داعش، در نزدیکی شهر رقه سقوط کرد. اردن تلاش می‌کرد این خلبان را با یک زندانی موردنظر داعش بنام ساجده ریشاوی مبادله کند، اما این کار بی‌نتیجه ماند. داعش خواهان آزادی ساجده ریشاوی شده بود که به دلیل

1. ISIS introduces 'price scheme for selling enslaved women and girls, RT, Nov. 4, 2014.
 ۲. حمله شیمیایی داعش به صلاح‌الدین، خبرگزاری انتخاب، ۸ مهر ۱۳۹۳.
 3. The Islamic State of Iraq and Syria showed Sufi shrines were demolished by bulldozers, alarabiya.net, July 5, 2014.
 ۴. داعش امدادگران آمریکایی را سر برید، همشهری آنلاین، ۲۵ آبان ۱۳۹۳.
 ۵. کابوس شبانه مادران اسپایکر، خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۲۶ مرداد ۱۳۹۳.





نقش داشتن در بمب گذاری در امان - پایتخت اردن - در سال ۲۰۰۵ به مجازات اعدام محکوم شده و اکنون زندانی است.^۱

گروه تروریستی داعش، در ۲۶ فوریه ۲۰۱۵ ویدیویی را منتشر کرد که در آن چگونگی تخریب تندیس های تاریخی در موزه نینوا در شهر موصل را به تصویر کشیده است.^۲ همچنین داعش در ۷ آوریل ۲۰۱۴ آثار باستانی شهر تاریخی نمرود (متعلق به امپراتوری آشور) در شمال عراق را تخریب کرد. باستان شناسان و کارشناسان میراث باستانی، این انهدام را یک فاجعه خوانده و آن را با منفجر کردن تندیس های بودا توسط گروه طالبان در استان بامیان افغانستان قابل مقایسه دانستند. سازمان یونسکو، تخریب شهر نمرود را جنایت جنگی خواند.^۳ در اواخر ماه اوت ۲۰۱۵، رسانه ها از تخریب معبد تاریخی «بل» واقع در شهر باستانی تدمر (پالمیرا) سوریه خبر دادند. همچنین در هفته اول اکتبر سال ۲۰۱۵ گروه دولت اسلامی «طاق نصرت» این شهر باستانی را نیز تخریب کرد.^۴

۷. تحلیل حقوقی اقدامات داعش بر اساس حقوق بین الملل بشردوستانه

آنچه در بالا اشاره شد تنها بخش اندکی از اقدامات داعش بود که به منظور پیشبرد سیاست های خود در سرزمین های تحت اشغال، به آنها مبادرت ورزید؛ اقداماتی که می توان تحت عناوینی نظیر به کارگیری کودکان در درگیری های نظامی، کشتار غیر نظامیان، اجرای مجازات های سنگین بدون ایجاد چارچوب های دادرسی عادلانه، برده داری و بهره کشی جنسی، بمباران شیمیایی، کشتن افراد تحت حمایت های خاص مانند امدادگران و خبرنگاران، کشتار دسته جمعی اسرای جنگی، تخریب اماکن مقدس، تاریخی و فرهنگی و... طبقه بندی کرد.

با مذاقه ای اندک به اسناد حقوق بین الملل بشردوستانه و رویه های دادگاه های بین المللی کیفری و همچنین حقوق بین الملل عرفی تمامی اقداماتی که در بالا به آنها اشاره

۱. داعش خلبان اردنی را زنده زنده سوزاند، خبرگزاری انتخاب، ۱۴ بهمن ۱۳۹۳.

۲. داعش به جان موزه موصل افتاد: وقت ویران کردن آثار تاریخی فرا رسیده است، خبرگزاری انتخاب، ۸ اسفند ۱۳۹۳.

۳. پایتخت دولت آشوری ویران شد/تخریب کامل شهر نمرود، شبکه خبر، ۲۳ فروردین ۱۳۹۴.

۴. شهر باستانی پالمیرا به طور کامل بدست داعش افتاد، خبرگزاری انتخاب، ۳۱ اردیبهشت ۱۳۹۴.





بررسی بیان جنایت قاصد شرور در توطئه کودکی خودکشی از منظر اسلام و حقوق بشر در نظام بین المللی

شده است فاقد توجیه حقوقی بوده و از جنس جنایت جنگی محسوب می شود. برای مثال، به کارگیری کودکان در درگیری های نظامی در هر دو نوع مخاصمه بین المللی و غیر بین المللی ممنوع می باشد. این ممنوعیت در بند (۲) ماده ۷۷ پروتکل اول الحاقی و بند (۳) ماده ۴ پروتکل دوم الحاقی به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است. بند (۲) ماده ۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری و همچنین اساسنامه دادگاه بین المللی کیفری ویژه برای سیرالئون نیز به این ممنوعیت به عنوان جنایت جنگی اشاره کرده است (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 486). همچنین در مورد حمایت از غیر نظامیان، بند (۲) ماده ۱۳ پروتکل دوم الحاقی به کنوانسیون های چهارگانه ژنو، پروتکل اصلاحی دوم کنوانسیون سلاح های متعارف خاص، کنوانسیون اوتاوا در مورد ممنوعیت استفاده از مین های ضد نفر، و نیز بند (۲) ماده ۸ اساسنامه دیوان بین المللی کیفری صراحتاً ابراز می دارد که «هدف - قراردادن عمدی جمعیت غیر نظامی و یا افراد غیر نظامی که به طور مستقیم در مخاصمات شرکت ندارند جنایت جنگی محسوب می شود.» نه تنها هدف قراردادن غیر نظامیان موجب نقض حقوق بشردوستانه می شود بلکه الزام به تفکیک میان غیر نظامیان و نظامیان، همانا یک اصل بنیادین در حقوق بشردوستانه شناخته می شود که ریشه در قواعد عرفی دارد (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 5). وانگهی، در رابطه با حق دسترسی به دادرسی عادلانه، باید گفت علاوه بر این که این یک قاعده عرفی است، در بند (۲) ماده ۶ پروتکل دوم الحاقی نیز بدان تصریح شده است. همچنین ماده ۳ مشترک، محکومیت و اعدام بدون حکم قبلی دادگاهی که صحیحاً تشکیل شده و جامع تضمینات قضایی که ملل متمدن ضروری می دانند باشد را ممنوع اعلام می دارد.

رویه دولت ها و اسناد بین المللی، برده داری و بهره کشی جنسی را نیز به عنوان نمونه هایی از جرایم جنگی ناقض حقوق بین الملل در هر دو مخاصمه بین المللی و غیر بین المللی برمی شمارند. اگرچه ماده ۳ مشترک اشاره مستقیمی به این جرم انگاری ندارد، اما خشونت نسبت به جان افراد که شامل هر گونه رفتار خشونت آمیز، شکنجه و هتک حرمت کرامت انسانی است را ممنوع اعلام می دارد. ممنوعیت هتک حرمت انسانی، در پروتکل اول (ماده ۷۵) و پروتکل دوم (ماده ۴) الحاقی به عنوان ضمانت های بنیادین برای حمایت از غیر نظامیان و افرادی که در مخاصمات شرکت ندارند مورد شناسایی و تأکید قرار گرفته اند. در اساسنامه دیوان بین المللی کیفری برای رواندا، و همچنین دادگاه ویژه برای





سیرالئون، و نیز اساسنامه بین‌المللی کیفری، هرگونه تجاوز به عنف، برده‌داری، روسپی-گری اجباری و... را به عنوان جنایت جنگی و نقض حقوق بین‌الملل دانسته و مرتکبان آنها را مسئول و واجد پیگیری کیفری می‌دانند.

در مورد استفاده از سلاح‌های شیمیایی باید توجه داشت اگرچه ماده ۳ مشترک و نیز پروتکل الحاقی دوم، در این رابطه موضع سکوت اتخاذ کرده‌اند اما با توجه به رویه ثابت دولت‌ها در محکومیت استفاده از این سلاح‌ها، و نیز تأکید و درج آن در اکثر دستورالعمل‌های نظامی، می‌توان این قاعده را به مثابه یک قاعده عرفی بین‌المللی تلقی کرد (Henckaerts and Doswald-Beck, 2005: 259). علاوه بر این، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی، استفاده از این سلاح‌ها را در هر شرایطی که شامل مخاصمات غیربین‌المللی هم می‌شود ممنوع اعلام کرده است. در قضیه تادیچ، دیوان بین‌المللی کیفری در مورد یوگسلاوی سابق، صراحتاً اعلام داشت که «هیچ تردیدی نیست که ممنوعیت استفاده از سلاح‌های شیمیایی در مخاصمات بین‌المللی، شامل مخاصمات داخلی نیز می‌شود.» (ممتاز و رنجبریان، ۱۳۸۷: ۱۵۱-۱۵۰)

از سوی دیگر، پرسنل پزشکی در هر شرایطی بایستی مورد احترام و حمایت قرار گیرند. این قاعده، به کنوانسیون ژنو ۱۸۶۴ بازمی‌گردد، که بعدها در کنوانسیون‌های ژنو ۱۹۰۶ و ۱۹۲۹ نیز تکرار شد و سپس در کنوانسیون‌های اول، دوم و چهارم ژنو ۱۹۴۹ مورد تأکید مجدد قرار گرفت. ماده (۱۵) پروتکل الحاقی اول نیز علاوه بر تأکید دوباره بر قاعده فوق، دامنه آن را به غیر نظامیانی که به فعالیت امدادگری مشغول هستند گسترش داد. ماده (۳) مشترک نیز تصریح می‌دارد که «مجروحان و بیماران باید جمع‌آوری و مراقبت شوند». ناگفته مشخص است که حمایت از پرسنل پزشکی، شکل ثانویه‌ای از قاعده فوق‌الذکر می‌باشد؛ چون بدون حمایت از پرسنل پزشکی حمایت از مجروحان و بیماران ممکن نیست. این در حالی است که بند (۱) ماده ۹ پروتکل الحاقی دوم صراحتاً اشعار می‌دارد که «پرسنل پزشکی باید مورد احترام و حمایت قرار گرفته و به آنها همه‌نوع امکانات و کمک‌های ممکن در خصوص اجرای وظایفشان داده شود.» اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری نیز در ماده ۸ هدف قراردادن عمده پرسنل پزشکی را نقض حقوق بین‌الملل دانسته و آن را از مصادیق جنایات جنگی می‌داند. همین‌گونه است حمایت از خبرنگاران - یعنی خبرنگاران غیرنظامی که به فعالیت حرفه‌ای تهیه خبر در محل درگیری نظامی فعالیت





می‌کنند - تا زمانی که به‌طور مستقیم در مخاصمات شرکت نکرده‌اند بایستی مورد احترام و حمایت قرار گیرند. این ممنوعیت، در ماده ۷۹ پروتکل الحاقی اول مورد تأکید قرار گرفته است اما پروتکل الحاقی دوم اشاره‌ای به این ممنوعیت نکرده است؛ با این حال، این حمایت می‌تواند تحت عنوان قاعده «ممنوعیت حمله به غیر نظامیان» تعبیر شود.

برای اولین بار، کنوانسیون ۱۹۲۹ ژنو مقرراتی را در رابطه با حمایت از زندانیان جنگی و افرادی که به‌خاطر درگیری‌های نظامی آزادیشان سلب شده است وضع کرد. سپس این حمایت‌ها در کنوانسیون سوم ژنو و همچنین پروتکل الحاقی اول، توسعه قلمرو و تعمیق مفهومی و مصداقی بیشتری یافت. ماده (۳) مشترک، رفتار مغایر با اصول انسانی را نسبت به افرادی که مستقیماً در جنگ شرکت ندارند یا نیروهای نظامی که اسلحه به‌زمین گذاشته‌اند یا بیماران و مجروحانی که قادر به جنگ نیست ممنوع اعلام داشته است و لطمه به حیات یا تمامیت بدنی ایشان - از جمله قتل به‌تمام اشکال آن، زخمی کردن، رفتار بی‌رحمانه و شکنجه و آزار - را منع کرده است. پروتکل دوم الحاقی نیز در ماده ۴ بیان می‌دارد که در همه اوضاع و احوال افراد فوق‌الذکر بایستی از رفتار انسانی بدون هیچ‌گونه تبعیض ناروا بهره‌مند باشند. همچنین تعرض به زندگی، سلامت و موجودیت جسمی و روانی این اشخاص به‌ویژه قتل عمد و برخورد خشونت‌آمیز نسبت به آنها همانند شکنجه و قطع عضو ممنوع است. مجازات‌های دسته‌جمعی و اعدام بدون دادرسی که فاقد تضمینات لازم قضایی از حیث حقوق دفاعی متهم باشد نیز ممنوع اعلام شده است. لذا هرگونه رفتار غیرانسانی نسبت به کسانی که به هر دلیلی آزادی‌شان به‌واسطه درگیری‌های نظامی سلب شده است ممنوع می‌باشد.

در رابطه با مکان‌های فرهنگی و تاریخی و مذهبی، تمام طرف‌های درگیر، ملزم به مراقبت ویژه جهت پیشگیری از ایراد خسارت به این گونه اماکن در هنگام مخاصمات هستند. اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری، هدف قراردادن عمدی این مکان‌ها را در هر دو نوع مخاصمه داخلی و بین‌المللی، به عنوان جنایت جنگی مورد شناسایی قرار داده است. در قضیه تادیچ، دیوان بین‌المللی کیفری در مورد یوگسلاوی پیشین، علاوه بر تأکید دوباره بر آن، این ممنوعیت را نسبت به مخاصمات داخلی نیز قابل اعمال دانست. ماده ۱۶ پروتکل دوم الحاقی، صراحتاً انجام هرگونه عملیات جنگی که آثار تاریخی، کارهای هنری و

بررسی بیان حیات قاعده‌شور و تأثیر آن بر حقوق بین‌الملل، مطالعه موردی و نخستین مقاله در مورد





مکان‌های عبادت را که مشتمل بر میراث معنوی یا فرهنگی مردم باشد مورد هدف قرار دهد و استفاده از آنها در حمایت از مقاصد نظامی باشد را ممنوع اعلام کرده است.

نتیجه

اگرچه عناوین مورد اشاره در این مقاله، دربرگیرنده‌ی تمام رفتارهای داعش در سرزمین‌های تحت اشغال در زمان اشغال نبود، اما می‌تواند آزمونی نغز برای مطابقت اقدامات آنها با هنجارها و آموزه‌های حقوق بین‌الملل و حقوق اسلام باشد. همان‌طور که قبلاً اشاره شد، مخاصمات جاری در عراق و سوریه، از نوع مخاصمات غیربین‌المللی، و لذا تابع قواعد حقوقی حاکم بر این نوع مخاصمات می‌باشد. با توجه به این که منابع اصلی این قواعد، ماده (۳) مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو، پروتکل الحاقی دوم، و نیز عرف بین‌المللی می‌باشد، لذا رفتار این گروه‌ها با شاخص قواعد بر گرفته از این منابع، بررسی و مدآقه شد. آنچه از بررسی رفتار این گروه به دست آمد این بود که داعش هیچ‌گونه پایبندی به قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و قواعد جنگ در اسلام ندارد و در پیشبرد اهداف پلید خود از ارتکاب هیچ نقضی پروا ندارند؛ همچنان که غیرنظامیان از حمایت‌های لازم برخوردار نبوده‌اند، قتل و ایجاد صدمات جسمی و روانی شدید به منظور حاکمیت وحشت و ترس سیاستی راهبرد اصلی داعش بوده است. نظامیانی که به دست آنها افتادند از حمایت‌های مصرح در اسناد بین‌المللی برای اسرای جنگی محروم بوده‌اند. این اسراء، معمولاً به صورت دسته‌جمعی اعدام شده‌اند. برده‌داری و بهره‌کشی جنسی امری متداول میان ستیزه‌جویان داعشی بوده است. اجرای مجازات‌های خیابانی بدون دادرسی‌هایی با حداقل استانداردها و الزامات قضایی، شیوه جاری حکومت این گروه‌ها در بخش‌های تحت اشغال بوده است. قتل امدادگران و خبرنگاران نیز از جنایاتی است که همواره به آن مبادرت ورزیده‌اند. تخریب آثار باستانی، فرهنگی و مذهبی، مکرراً توسط داعش ارتکاب یافته است که متأسفانه به عنوان یک امر مقدس و ستوده به آن اقدام کرده‌اند.

تردید نیست که اقدامات گروه‌های غیرنظامی درگیر در مخاصمات سوریه و عراق - که سرآمد آنها داعش بوده است - ناقض قواعد حقوق بشردوستانه و حقوق اسلام است و



تحت عناوینی نظیر جنایت جنگی و بعضاً جنایت علیه بشریت، یا حتی در برخورد با ایزدیان به عنوان جنایت نسل‌زدایی موجد مسئولیت کیفری است. از این رو، کشورها می‌توانند بر اساس صلاحیت جهانی رسیدگی به جرایم بین‌المللی، این افراد را تحت پیگرد و محاکمه قرار دهند.

منابع

- ۱- جمعی از مولفان، ۱۳۸۱ش، آشنایی با حقوق بشردوستانه بین‌المللی، چ ۱، تهران، کمیته ملی حقوق بشردوستانه ایران.
- ۲- حمیدالله، محمد، ۱۳۸۳ش، سلوک بین‌المللی دولت اسلامی، ترجمه سیدمصطفی محقق داماد، چ ۲، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی.
- ۳- شیخ حرّ عاملی، ۱۴۰۳ق، وسائل‌الشیعه، ج ۱۱، بی‌چا، تهران، مکتبه‌الاسلامیه.
- ۴- ضیائی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۹ش، اسلام و حقوق بین‌الملل، چ ۳، تهران، گنج دانش.
- ۵- عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۷۷ش، فقه سیاسی، ج ۵، چ ۲، تهران، امیرکبیر.
- ۶- کرم‌زاده، سیامک و حسین‌نژاد، کتایون، ۱۳۸۵ش، فرهنگ حقوق بین‌الملل مخاصمات مسلحانه، چ ۱، تهران، سرسم.
- ۷- ممتاز، جمشید؛ رنجبریان، امیرحسین، ۱۳۸۷ش، حقوق بین‌الملل بشردوستانه: مخاصمات مسلحانه داخلی، چ ۳، تهران، میزان.
- ۸- نجفی، محمدحسن، ۱۴۱۹ق، جواهر الکلام، ج ۲۱، بی‌چا، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ۹- امیرارجمند، اردشیر، ۱۳۸۴ش، تروریسم و تحولات حقوق بشردوستانه بین‌المللی، پژوهش حقوق و سیاست (ویژه‌نامه مجموعه مقالات همایش رسالت رسانه‌های گروهی در ایران: دیدگاه‌ها و چالش‌های بشردوستانه)، ش ۱.
- ۱۰- حکیم، محسن، ۱۳۷۸ش، آداب جنگ یا تقوای جنگی در اسلام، مقالات و بررسی‌ها، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران، ش ۶۵.
- ۱۱- سبحانی، جعفر، ۱۳۴۳ش، پیامبر در میدان نبرد، درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۱۰.



- ۱۲- سرویس بین الملل، پایتخت دولت آشوری ویران شد/تخریب کامل شهر نمرود، ۱۳۹۴ش، تهران، شبکه خبر جمهوری اسلامی ایران، در دسترس: <http://sahebkhbar.ir/news/4490303/>
- ۱۳- سرویس بین الملل، حمله شیمیایی داعش به صلاح الدین، ۱۳۹۳ش، تهران، خبرگزاری انتخاب، در دسترس: <http://www.ghatreh.com/news/nn22364488/>
- ۱۴- سرویس بین الملل، داعش امدادگران آمریکایی را سر برید، ۱۳۹۳ش، تهران، همشهری آنلاین، در دسترس: <http://www.hamshahrionline.ir/print/278073/>
- ۱۵- سرویس بین الملل، داعش به جان موزه موصل افتاد: وقت ویران کردن آثار تاریخی فرا رسیده است، ۱۳۹۳ش، تهران، خبرگزاری انتخاب، در دسترس: <http://www.entekhab.ir/fa/news/191983/>
- ۱۶- سرویس بین الملل، داعش خلبان اردنی را زنده زنده سوزاند، ۱۳۹۳ش، تهران، خبرگزاری انتخاب، در دسترس: <http://www.entekhab.ir/fa/news/188478/>
- ۱۷- سرویس بین الملل، داعش کودکان را به عملیات انتحاری می گمارد، ۲۰۱۴م، بن، آلمان، خبرگزاری بین المللی دویچه وله، در دسترس: <http://www.dw.com/fa-ir/256341258/>
- ۱۸- سرویس بین الملل، شهر باستانی پالمیرا به طور کامل به دست داعش افتاد، ۱۳۹۴ش، تهران، خبرگزاری انتخاب، در دسترس: <http://www.entekhab.ir/fa/news/205544/>
- ۱۹- سرویس بین الملل، کابوس شبانه مادران اسپایکر، ۱۳۹۳ش، خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، در دسترس: <http://www.irna.ir/fa/News/2356985/>
- ۲۰- سرویس بین الملل، واکنش نظام بین الملل به جایگاه تروریست های داعش، ۲۹ مرداد ۱۳۹۳ش، تهران، خبرگزاری تابناک، در دسترس: <http://www.tabnak.ir/fa/news/427585/>
- ۲۱- کرم زاده، سیامک، ۱۳۸۲ش، تروریسم و دفاع مشروع در حقوق بین الملل، مدرس، د ۷، ش ۱،

22- Additional protocol I of the UN Geneva Convention, (1977), Geneva

23- Additional protocol II of the UN Geneva Convention, (1977), Geneva





- 24- Hafetz, Jonathan, (2012), Military Detention in the 'War on Terrorism': Normalizing the Exceptional After 9/11, New York, Columbia Law Review Sidebar, 112th Vol.
- 25- Henckaerts, Jean-Marie and Louise Doswald-Beck, (2005), Customary International Humanitarian Law, Cambridge, Cambridge University Press, 1st Ed.
- 26- ICJ, (1996), Legality of the Threat or Use of Nuclear Weapons, Advisory Opinion.
- 27- ICRC, (2003), International humanitarian law and the Challenges of Contemporary Armed Conflicts, the 28th report for the International Conference of ICRC and International Red Cross, Geneva.
- 28- ICRC, (2008), Commentary to the Common Article 3, available at <https://ihl-databases.icrc.org/ihl/COM/365-570006?OpenDocument>
- 29- ICRC, (1987), Commentary on the Additional Protocols to the Geneva Conventions, Geneva, ICRC publication, 1st Ed.
- 30- King, John, George Bush's Speech on Terrorism in the US, (2001), London, the Guardian, available at:
<https://www.theguardian.com/world/2001/sep/21/september11.usa13>
- 31- Louis, Samuel, ISIS Introduces 'Price Scheme for Selling Enslaved Women and Girls, (2014), Moscow, Russia, RT, available at:
<https://www.rt.com/news/202071-isis-slaves-girls-prices>
- 32- Malas, Nour, (2014), Ancient Prophecies Motivate Islamic State Militants, the Wall Street Journal.
- 33- Rashkikov, Paul, The Islamic State of Iraq and Syria Showed Sufi Shrines Were Demolished By Bulldozers, (2014), alarabiya.net, available at:
<http://english.alarabiya.net/en/News/middle-east/2014/07/05/ISIS-destroys-Shiite-mosques-shrines-in-Iraq.html>.
- 34- Some authors, (2014), History of DAESH, European Information Center on Terrorism, available at: www.noterror.eu/en/history-of-daesh.
- 35- The UN Geneva Convention I, (1949), Geneva
- 36- The UN Geneva Convention II, (1949), Geneva
- 37- United Nations Security Council Resolution, (1992), S/RES/788
- 38- United Nations Security Council Resolution, (1992), S/RES/794
- 39- United Nations Security Council Resolution, (1992), S/RES/794
- 40- United Nations Security Council Resolution, (1993), S/RES/814
- 41- United Nations Security Council Resolution, (1993), S/RES/993
- 42- United Nations Security Council Resolution, (1995), S/RES/998



- 43- United Nations Security Council Resolution, (1999), S/RES/1270
- 44- Withnall, Adam, (2014), Iraq Crisis: Isis Declares Its Territories a New Islamic State With 'Restoration of Caliphate' in Middle East, London, the United Kingdom, Independent, available at:<http://www.independent.co.uk/news/world/middle-east/isis-declares-new-islamic-state-in-middle-east-with-abu-bakr-al-baghdadi-as-emir-removing-iraq-and-9571374.html>.



فصلنامه پژوهش حقوق اسلام و فقه



